

## بررسی مقایسه ای ملاکهای انتخاب همسر داوطلبان ازدواج در بدو و یک سال پس از ازدواج<sup>۱</sup>

غلامرضا قاسمی تودشکچویی (PhD)\*، مسعود معتمدی (MD)\*\*، قربانعلی اسدالهی (MD)\*\*\*، شیکا مالک (PhD)\*\*\*\*

\*- دانشیار گروه روانپزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان  
 \*\*- استیاریار گروه روانپزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان  
 \*\*\*- استاد گروه روانپزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان  
 \*\*\*\*- دکترای علوم اجتماعی

### چکیده

**زمینه و هدف:** پژوهشگران از دیر باز به مطالعه نهاد ازدواج از زوایای جامعه شناسی، روان شناختی و دینی پرداخته اند و ملاکهایی را که افراد در ازدواج مد نظر قرار می دهند، شناسایی نموده اند. با این حال، تاکنون کمتر اطلاعاتی در مورد تفاوت‌های ارزشی پس از ازدواج در دست می باشد بنابراین در جهت پر نمودن خلاء موجود، مطالعه حاضر، ملاکهای انتخاب همسر مزدوجین را در بدو و پس از یکسال ازدواج مقایسه و بررسی نموده است.

**مواد و روشها:** از مهرماه تا اواسط آبان ماه سال ۱۳۷۸ تعداد ۵۰ زوج اصفهانی داوطلب ازدواج اول به کمک مقیاس محقق ساخته، ملاکهای ازدواج با ۲۶ آیتم و چهار محور زیست شناختی، روان شناختی، اجتماعی و اقتصادی در دو مرحله یعنی بدو ورود به مرکز تالاسمی اصفهان و پس از یک سال به صورت خود ایفاء مورد مطالعه قرار گرفتند. در مرحله دوم تنها ۲۵۴ زوج همکاری لازم را داشتند. پایایی ابزار سنجش مطالعه به روش دو نیم کردن با ضریب ۸۱/۵ برای مردان و ۸۳/۲ برای زنان تعیین گردید. اطلاعات خام تحت نرم افزار SPSS با اجرای آزمون‌های توصیفی و تحلیلی فیشر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**یافته ها:** به طور تیپیک آزمودنی ها، دختران و پسران ۱۹ تا ۲۵ ساله ای بودند که تحصیلاتشان در حد متوسطه بود. بیشتر پسران شغلشان آزاد و بیشتر دختران به تحصیل مشغول بودند. قبل از ازدواج، پسران بیش از دختران به ویژگی هایی چون زیبایی، زیبایی اندام و وزن مناسب، رنگ پوست و مو، سن، امکانات رفاهی دختر و مهریه تاکید داشتند؛ در حالیکه دختران بیش از پسران به ویژگیهای چون عشق و علاقه طرفین، رفتار درون خانواده، ارتباطات اجتماعی، تشابهات فرهنگی، زبان مشترک، تحصیلات بالای پسر، درآمد بالاتر پسر و در آمد ثابت پسر تاکید می ورزیدند. پس از گذشت یک سال از ازدواج، زوج ها در اکثر معیارها از دیدگاه مشترکی برخوردار بودند با این تفاوت که دختران بیش از پسران به وضعیت مناسب اندام (چاقی، لاغری) توجه داشتند.

**نتیجه گیری:** یافته های این مطالعه در سایه نظریه های اجتماعی، روان شناختی و فرهنگی قابل توجیه می باشد. عدم آشنایی افراد با یکدیگر به تفاوت آنها در داشتن ملاکهای مشخص و تعاملات یک ساله آنها به شباهت ها و توافق هایی پس از یک سال انجامیده است. با توجه به مسأله طلاق، مشاهدات مطالعه حاضر جهت اقدامات پیشگیرانه قابل بررسی است.

**کلید واژه ها:** ازدواج، ملاکهای اجتماعی، ملاکهای زیست شناختی، ملاکهای اقتصادی، اصفهان، ایران.

وصول مقاله: ۸۴/۳/۲۵ اصلاح نهایی: ۸۴/۵/۵ پذیرش مقاله: ۸۴/۶/۲۰

نویسنده مسئول: اصفهان، خیابان استانداری، مرکز پزشکی نور، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، تلفن: ۰۳۱۱-۲۲۲۲۱۳۵

Email: [ghassemi@med.mui.ac.ir](mailto:ghassemi@med.mui.ac.ir)

## • مقدمه

می رسد که کمتر پژوهشگری مبادرت به بررسی مقایسه ای معیارهای ازدواج در بین افراد اجتماع در فازهای مختلف ازدواج نموده باشد. وانگهی جمعیت های مورد مطالعه آنها اغلب دانشجویان و جوانانی هستند که ممکن است همگی برای ازدواج آمادگی نداشته باشند. بعلاوه پژوهشگران ابزارهای بهتری را برای سنجش معیارهای ازدواج در نظر نگرفته اند. با توجه به خلاء موجود و کاستی های مطالعات قبلی، پژوهشگران در این مطالعه برآن شدند تا در دو مرحله یعنی در بدو اقدام اولیه برای ازدواج و پس از گذشت یک سال به بررسی ملاکهای انتخاب همسر داوطلبین ازدواج در شهر اصفهان بپردازند.

بررسی پیشینه مطالعه نشان داد نداشتن ابزارهای سنجش قابل اعتماد، اتکا به جوانانی که هنوز قصد ازدواج نداشته اند و تک مقطعی بودن مطالعات انجام شده یکی از خلاء های قابل مشاهده در بین مطالعات انجام شده به شمار می رود.

در این مطالعه، دو فرضیه مورد بررسی قرار گرفته است. فرضیه اول این که دختران و پسران در انتخاب همسر آینده خود از ملاکهای متفاوتی استفاده می کنند. فرضیه دوم این که شاخص های انتخاب همسر آنها نیز در دو مقطع زمانی، یعنی در بدو و پس از یک سال ازدواج، با یکدیگر یکسان نخواهد بود.

## • مواد و روشها

مطالعه حاضر از نوع پیمایشی توصیفی - تحلیلی بوده، که با هدف مقایسه ملاکهای دختران و پسران در مورد انتخاب همسر در شرف ازدواج و پس از یک سال در مرکز تالاسمی اصفهان طی دو مرحله صورت گرفته است. کلیه دختران و پسران داوطلب ازدواج مراجعه کننده به مرکز تالاسمی بیمارستان امین جامعه پژوهش مورد مطالعه حاضر را تشکیل داده اند. ورود به مطالعه با سه شرط یعنی (۱) داشتن سکونت در شهر اصفهان، (۲) ازدواج اول و (۳) شرکت داوطلبانه در مطالعه انجام گرفت. از بین ۲۳۲۰ دختر و پسر مراجعه کننده به مرکز یاد شده از مهرماه تا اواسط آبان ماه سال ۱۳۷۸، ۱۰۱۶ دختر و پسر یعنی ۵۰۸ زوج واجد شرایط فوق بودند که جهت تکمیل پرسشنامه از آنها در مرحله اول

انسان موجودی است اجتماعی که با نیازهای اجتماعی، جسمانی و روحی آفریده شده است و در فرآیند رشد جسمی نیازهای او نیز تغییر می کند. یکی از نهادهایی که می تواند در تأمین نیازهای عاطفی و اجتماعی انسان موثر باشد، تشکیل خانواده و یا ازدواج می باشد. در باب ازدواج علاوه بر مباحث علوم رفتاری جدید، احادیث و روایات متعددی وجود دارد. در همین رابطه حضرت رسول اکرم (ص) می فرماید: «ازدواج سنت من است، هر کس از سنت من روی گرداند از من نیست». از نظر دین مبین اسلام، ازدواج امری مستحب و مورد تأکید و از سنت های انبیاء معرفی شده و ضرورت آن جهت تهذیب نفس و حفظ عفت عمومی مورد تأکید قرار گرفته است (۱).

داشتن اجتماع سالم در گرو وجود افراد و خانواده های سالم می باشد. انتخاب همسر در ایجاد یک محیط خانوادگی مناسب و کیفیت تربیت فرزندان نقش بسیار مهمی دارد. بنابراین برای حفظ سلامت خانواده هر کس باید قبل از ازدواج از خود بپرسد که بر اساس چه ملاکهایی همسر آینده خود را انتخاب می کند؟ این ملاکها تا چه میزان اساسی یا غیر اساسی، استوار یا بی ثبات، اصیل یا تصنعی هستند؟ در تعیین ملاکهای ازدواج، تا چه میزان مستقل هستند و چقدر وابسته به گرایش ها و تحمیل های دیگران می باشند؟ آرمان های آنان در زندگی چیست و به دنبال چه اهدافی دست به تشکیل خانواده زده اند؟ در این رابطه پژوهشگران، ملاکهای متعددی از جمله سلامت روان زوجین (۲)، شباهت فرهنگی مانند هم تراز بودن و کفو بودن زوجین (۴،۳)، فاصله جغرافیایی (۵،۶) تیپ ظاهری (۳،۶)، سن (۷،۸)، رشد عاطفی (۹)، رشد اجتماعی (۹،۱۰)، فضایل اخلاقی (۱۱)، توافق فکری و علائق مشترک (۹،۱۲،۱۳)، تشابهات اجتماعی - اقتصادی (۱۲)، ۱۴، ۱۵-۱۸) و سطح تحصیلات (۱۹، ۲۰) را مورد تأکید قرار داده اند.

پژوهشگران در ایران و غرب به بررسی معیارهای انتخاب همسر در بین اقشار مختلف اجتماع پرداخته اند و به پاره ای نتایج مفید دست یافته اند. این مطالعات در یک مقطع بخصوص صورت گرفته است و به نظر

بین گروهی دختران و پسران در دو مرحله یعنی آستانه ازدواج و پس از یک سال استفاده شد.

### • یافته ها

الف - نیمرخ جمعیت شناختی آزمودنی ها داوطلبان ازدواج در این مطالعه حداقل ۱۶ و حداکثر ۴۰ سال سن داشته اند که البته اکثر آنها ۱۹ تا ۲۵ ساله بوده و درصد کمی از آنها ۳۱ ساله بوده اند. نکته جالب توجه این است که نسبت دختران به پسران گروه سنی ۱۸ سال به پایین بیشتر است در حالی که برای سایر گروههای سنی این نسبت به نفع پسران است. در بعد تحصیلی پسران دیپلمه یا لیسانس و دختران اکثراً فوق لیسانس و بالاتر می باشند. در زمینه شغلی، بیشتر دختران محصل یا دانشجوی و اکثر پسران شغل آزاد داشته اند.

### ب- معیارهای انتخاب همسر

معیارهای زیست شناختی: ویژگی هایی چون سلامت جسمی، نقص جسمی، زیبایی، قد، وضعیت مناسب اندام، سن و اختلالات ژنتیکی و بیماریهای روانی و جسمی از جمله پارامترهای زیست شناختی هستند که در این مطالعه مد نظر قرار گرفته اند. یافته های مطالعه نشان داد که پسران در مقایسه با دختران در ابتدای ازدواج، زیبایی، وضعیت مناسب اندام، رنگ پوست و سن را مد نظر داشته اند که پس از گذشت یک سال دیدگاههای آنها به یکدیگر نزدیک تر شده است و دختران در این مرحله نسبت به وضعیت مناسب اندام (چاقی، لاغری)، رنگ پوست و مو و سن بیشتر از بعد از ازدواج حساس بوده و کم کم از حساسیت آنها کاسته شده است؛ اما تغییری در معیارهای زیست شناختی دختران در بدو و پس از یک سال ازدواج دیده نمی شود.

معیارهای روان شناختی: در مطالعه حاضر به وضوح دیده می شود که دختران در بدو ازدواج، به نسبت بیش از پسران خصایصی چون عشق، علاقه، رفتار درون خانواده، ارتباط اجتماعی را در انتخاب همسر خود مورد تاکید قرار داده اند.

معیارهای اجتماعی: پیشینه موضوع نشان داد که پایبندی به مسائل مذهبی، خویشاوندی، اشتراک

دعوت به عمل آمد که در پایان مرحله اول، ۱۶ پرسشنامه به دلیل ناقص بودن حذف شد و بدین ترتیب هشت زوج از مطالعه خارج شدند. پس از گذشت یک سال مجدداً از زوجها از طریق تلفن و مکاتبه پستی دعوت به عمل آمد تا جهت بازنگری معیارهایی که در بدو ازدواج برای انتخاب همسر خود ملاک قرار داده اند، اظهار نظر کنند. در این فاز مطالعه از ۱۰۱۶ نفر تنها ۵۰۸ نفرشان یعنی ۲۵۴ زوج حاضر به همکاری شدند. تجزیه و تحلیل داده های مربوط به فاز اول مطالعه بر اساس ۱۰۱۶ نفر یا ۵۰۰ زوج در فاز دوم بر اساس ۵۰۸ نفر یا ۲۵۴ زوج می باشد.

### ابزار گرد آوری اطلاعات:

در این مطالعه پرسشنامه محقق ساخته ای که در برگزیده شاخص های چهارگانه انتخاب همسر بود و جمعاً ۲۶ آیتم را در خود جا داده بود، تهیه شد. یازده آیتم اول مربوط به معیارهای اجتماعی و چهار آیتم آخر مربوط به معیارهای اقتصادی بودند. پاسخ های آزمودنی ها به هریک از سؤالات به صورت بلی و خیر بود. معیارهای فوق بر اساس متون مربوطه و مشورت با متخصصین مربوطه تهیه گردید. روایی محتوای این ابزار توسط ۱۰ متخصص روانپزشکی، جامعه شناسی و مشاوره تعیین گردید. برای تعیین پایایی این ابزار از ۴۲ زوج جوان خواسته شد تا به پرسش ها پاسخ دهند که ضرایب به دست آمده به روش دو نیمه کردن برای پسران ۸۱/۵ و برای دختران ۸۳/۲ بودند. به منظور اجرای پرسشنامه مذکور، دو کارشناس روان شناسی دختر و پسر پس از آموزش کافی به کار گرفته شدند. پس از انجام هماهنگی لازم با مسئولین مرکز تالاسمی اصفهان و پرستگران در کلاسهای آموزش ازدواج از اول مهرماه تا اواسط آبان ماه سال ۷۸ حاضر شدند و ضمن توجیه داوطلبان در مورد اهداف مطالعه، پرسشنامه های خود ایفا برای دختران و پسران به اجرا در می آمد.

کلیه اطلاعات جمع آوری شده به وسیله رایانه و با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. از روش های آماری توصیفی از جمله درصد، میانگین، انحراف معیار و آزمون تحلیلی فیشر جهت تعیین تفاوت های

سن کسانی هستند که هنوز مشغول تحصیل بوده و یا فارغ التحصیل یا فاقد سواد بوده اند. بالاتر بودن سطح تحصیلات دختران نسبت به پسران نیز با آنچه امروز در جامعه اتفاق می افتد، همخوانی دارد. موفقیت دختران در کسب کرسی های دانشگاهی در سالهای اخیر می تواند دلیل دیگری برای بالا بودن نسبت دختران با تحصیلات دانشگاهی در این مطالعه باشد. شاید بتوان چنین پیش بینی کرد که تفاوت سطح تحصیلات دختران و پسران می تواند اثرات متفاوتی در تفکر آنها نسبت به ازدواج داشته باشد. بدین معنی که در انتخاب همسر آینده خود ملاکهای متفاوتی مد نظر داشته باشند. جهت اثبات این فرضیه در قسمت دوم مطالعه، دختران و پسران نسبت به ملاکهایی که در ذهن خود داشته اند با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفته اند.

انتخاب همسر سالم نقش تعیین کننده ای در سلامتی فرزندان خواهد داشت. خصایصی چون سلامت جسم و روان، هوش، نکات، ویژگی های ظاهری مانند قد، رنگ پوست و مو به طور ژنتیکی به نسل بعدی منتقل خواهد شد. هر چند لحاظ نمودن این ویژگی ها تضمینی برای یک زندگی زناشویی پایدار نیست؛ اما، مردان و زنان به درجات مختلف روی هر یک از این ویژگی ها حساسیت خاص نشان می دهند. البته این نگرش می تواند تا حدودی ناشی از ارزش ها و باورهای حاکم بر جامعه و سطح علوم و آگاهی مردم باشد. آموزش های فرهنگی که در فرآیند جامعه پذیری اثرات متفاوتی در تفکر آنها نسبت به ازدواج داشته باشد، با تحصیلات دانشگاهی در این مطالعه و انتخاب همسر سالم، نقش تعیین کننده ای در سلامتی فرزندان خواهد داشت. این آموزشها که بر پاره ای خواص ظاهری زن تاکید دارند از یک طرف و عملکرد جامعه در قبال افراد با ظواهر متفاوت از طرف دیگر در شکل گیری این گونه تفکرات بی تاثیر نخواهد بود. یافته های مطالعه حاضر با یافته های مطالعات فین گلد در آمریکا همخوانی دارد. در این مطالعه پژوهشگران دریافته اند که مردان در مقایسه با زنان زیبایی و جذابیت جسمی را ضروری ترین ویژگی همسر آینده خود قلمداد نموده اند (۲۱). مطالعه برنارد نیز نشان می دهد که دختران نیز ترجیح می دهند با

فرهنگی، مذهبی و زبان مشترک، رضایت والدین و سطح تحصیلات از جمله شاخص های انتخاب همسر در اجتماعات مختلف مورد تاکید قرار گرفته اند. یافته های مطالعه حاضر نشان می دهد که در بدو ازدواج دختران نسبت به پسران بیشتر وجود اشتراک فرهنگی، زبان مشترک و تحصیلات بالای پسران را به عنوان ملاکهای انتخاب همسر مد نظر داشته اند. در حالی که تفاوت های درون گروهی بین پسران و دختران دیده نمی شود و پس از گذشت یک سال نیز پسران و دختران در رابطه با معیارهای اجتماعی شبیه یکدیگر بوده اند.

معیارهای اقتصادی: استقلال اقتصادی پسر، امکانات مالی و رفاهی دختر و مهریه متعارف از جمله معیارهای اقتصادی هستند که در این مطالعه مورد توجه قرار گرفته اند. در مطالعه حاضر به وضوح دیده شد که در بدو ازدواج دختران بیش از پسران روی استقلال مالی پسر و برعکس، پسران بیش از دختران در انتخاب همسر، امکانات مالی و رفاهی دختر و مهریه متعارف را مورد تاکید قرار داده اند. مقایسه پسران با پسران در بدو و پس از یک سال ازدواج نیز حاکی از پافشاری آنها روی پارامترهای فوق در بدو ازدواج بود؛ اما بعد از گذشت یک سال این نگرش کم رنگ تر شده است. بار دیگر دختران تفاوت آشکاری در این زمینه نشان نداده اند.

## • بحث و نتیجه گیری

مشاهدات حاضر در حد انتظار می باشد؛ در جامعه ایرانی پسران وقتی راهی را برای ادامه تحصیل خود نمی یابند. به شغل آزاد می پردازند. در این فرایند به تصمیم خود یا تأثیر دیگران، ازدواج را نردبانی برای ترقی و یا جبران ناکامی های قبلی انتخاب می نمایند. شاید هم شغل آزاد آنها در حد قابل توجهی آنها را تامین نموده، به طوری که در جهت تامین نیازهای اجتماعی و عاطفی خود، چنین تصمیمی را گرفته باشند. پایین تر بودن سن دختران نسبت به پسران با ارزش حاکم در جامعه منافات نداشته، زیرا اصولاً اکثر پسران، دخترانی را که کم سن تر از خودشان هستند برای همسری خود ترجیح می دهند. وانگهی دختران کم

می باشد. آنها ممکن است از نظر ایدئولوژی، احساس و تفکر با یکدیگر تفاوت داشته باشند اما با شناخت متقابل که در پرتو یک رابطه عاطفی و شخصیت انعطاف پذیری به دست می آید، امکان زندگی مسالمت آمیز فراهم خواهد شد. لازم به توضیح نیست که برای دست یابی به این شرایط ایده آل، افراد باید از رشد فکری و عاطفی کافی برخوردار باشند تا بتوانند احساسات و عواطف خود را تحت کنترل داشته باشند.

روابط صمیمانه با یک شریک، یار و یاور، سهم مهمی در سلامت روانی و جسمی خواهد داشت. تجلی صمیمیت و عشق در سایه روابط زناشویی، همکاری، همراهی، همدردی، یگانگی، نیرومندی و پذیرش متقابل را به همراه خواهد آورد. به عنوان یک امر بدیهی وجود چنین خصایصی افراد را در قبال آسیب ها و انحرافات اجتماعی ایمن خواهد نمود و کانون خانواده را در برابر «از هم پاشیدگی» محفوظ نگه خواهد داشت. وجود فضایل اخلاقی و معنوی در زن و مرد که آمیخته به صداقت، گذشت، درستی و فداکاری باشد، موجب سلامت و آرامش خاطر افراد خانواده خواهد شد. در تعالیم دینی اسلام، بارها حسن خلق و اخلاق پسندیده زوجین در موفقیت زندگی زناشویی مورد تأکید قرار گرفته است (۲۶).

مهریار و تشکری در مطالعه خود به این نتیجه رسیده اند که دختران و پسران بطور یکسان اخلاق خوب و سازگاری را از جمله معیارهای انتخاب همسر قلمداد نموده اند (۲۴). اردلان و محسنی نیز در مطالعه خود یادآور شده اند که وجود علاقه و آشنایی قبلی برای ۷۰ درصد آزمودنی ها یکی از شرایط اصلی انتخاب همسر و توافق بر سر ازدواج بوده است (۲۷). به اعتقاد یزدانی دختران بیش از پسران به خصائص روانشناختی به ویژه سازگاری و همدلی اهمیت می دهند (۲۵). در مطالعه حاضر نیز چنین مشاهده می شود که دختران، بیشتر روی ویژگیهایی چون عشق و علاقه، اخلاق فردی و سازگاری تأکید داشته اند. به مرور زمان و پس از گذشت یک سال نوعی همسویی بین دو جنس مشاهده می شود و ظاهراً معیارهای روان شناختی بطور یکسان، برای هر دو طرف اهمیت پیدا کرده است. وجود چنین شباهتی ممکن است واقعی

پسرانی ازدواج کنند که حداقل ۵ تا ۶ سال مسن تر از خودشان باشند (۲۲). شافروکیت، وزن را به عنوان یک عامل تعیین کننده در انتخاب همسر از دید زنان آمریکایی مورد تأکید قرار داده اند (۲۳).

یافته های مطالعه مهریار و تشکری نیز تأکید کننده یافته های حاضر است (۲۴). بر خلاف مشاهدات فوق، مطالعه یزدانی نشان داد که دختران و پسران به یک اندازه ویژگیهای ظاهری از جمله زیبایی را در انتخاب همسر خود مورد تأکید قرار می دهند (۲۵).

نکته جالب توجه دریافته های مربوط به معیارهای زیست شناختی در این مطالعه همسویی دختران و پسران پس از ازدواج است. چنین به نظر می رسد که آنها در بدو ازدواج به دلیل عدم آشنایی با یکدیگر و بر اساس تجارب و یادگیری های اجتماعی خود معیارهای زیست شناختی متفاوتی را برای انتخاب همسر خود مد نظر داشته اند که بتدریج پس از یک سال، این تفاوت ها کاهش یافته و افراد، کمتر بر این گونه عوامل تأکید ورزیده اند. این شباهت شاید به این دلیل باشد که آنها از یکدیگر شناخت واقعی بیشتری پیدا کرده و معیارهای زیست شناختی را به عنوان یک اولویت، مشخص ننموده اند؛ یا این که به دلیل قبول مسؤلیت های جدید زندگی و درگیری با زندگی روزمره فرصتی برای فکر کردن به این شاخصها را نداشته اند. شاید هم این شباهتها واقعی باشند و دختران و پسران پس از ازدواج بر تفاوت های موجود که در قبال آن حق انتخابی ندارند، توافق نموده باشند.

از دیر باز وجود عشق و علاقه طرفین، انعطاف پذیری، برخورد صحیح با مسائل زندگی، رفتار مطلوب درون خانواده، ارتباط اجتماعی سالم، سازگاری فردی، شناخت واقعی طرفین از یکدیگر و توافق بر سر فعالیت های ذوقی و هنری به عنوان شاخصهای روانشناختی در تصمیم گیری افراد برای انتخاب شریک زندگی نقش مؤثری داشته اند. از دیر باز ازدواج، نوعی پیوند عاطفی و اجتماعی مبتنی بر توافق و سازش بین دو جنس مخالف جهت تأمین نیازهای روانی، جسمی و اجتماعی و پیشگیری از انحرافات و ناهنجاریهای فکری و اجتماعی تلقی گردیده است (۲۶). سر منشاء رابطه صمیمی بین زن و مرد عشق و علاقه طرفین به یکدیگر

خواهد انجامید. آنها وجود تشابهات دینی و اعتقادی را در تربیت کودک ضروری دانسته و معتقدند که گرایش های دینی غیر همسو در بین والدین، زمینه ساز تضاد و چندگانگی در کودک خواهد بود. در خانواده های اصیل، پدران و مادران می کوشند تا از نظر اخلاقی و رفتاری برای فرزندان خود الگو باشند. کودکانی که در چنین خانواده هایی پرورش می یابند، سجایای اخلاقی را از پدر و مادر خود به ارث می برند و مهارتهای کافی برای برخورد با دشواریهای زندگی کسب می نمایند (۱۶).

از دیگر پارامترهای اجتماعی شغل و تحصیلات افراد می باشد. از آنجایی که شخصیت انسان ناشی از وراثت و محیط می باشد، فرد در هر محیطی که رشد کرده باشد خصوصیات همان طبقه یا محیط را به خود می گیرد و بر اساس آن عادات و روشهای آموخته شده، رفتار می کند. میزان تحصیلات در رشته تحصیلی افراد تا حد زیادی تعیین کننده نوع شغل آنها خواهد بود و اختیار نمودن شغل، جایگاه اجتماعی افراد را تثبیت می نماید. در این مطالعه دختران به طور آشکاری علاقه وافر خود را برای ازدواج با همسری که تحصیلات بالا داشته باشد، ابراز داشته اند. این طرز تفکر می تواند به این دلیل نیز باشد که در مطالعه حاضر سطح تحصیل دختران بالاتر از پسران بوده و اصولاً دختران تحصیل کرده کمتر با افرادی که از نظر تحصیلی پایین تر از خودشان باشند ازدواج می کنند. داشتن تحصیلات برابر، حداقل شرط لازم برای ایجاد یک ارتباط فکری بین دو نفر می باشد و بحث و مجادله در خصوص مقوله های مشترک تنها از این طریق امکان پذیر می باشد.

سطح تحصیلات و شغل در شکل گیری نوع روابط اجتماعی افراد نیز نقش بسزایی خواهد داشت. کمتر اتفاق می افتد که افراد با تحصیلات و مشاغل نابرابر اهداف مشترکی داشته باشند و مصمم به تشکیل گروه های اجتماعی جهت تامین نیازهای خود باشند. دخترانی که علاقمند به ازدواج با پسران تحصیل کرده اند شاید این گونه تصور کنند که پسران بخاطر تحصیلات بالا از ظرفیت منطقی و علمی بالایی نیز برخوردارند. در خصوص شغل، یافته های این مطالعه با مطالعاتی که

باشد یعنی این که آنها به آنچه می اندیشیده اند، دست یافته اند. برعکس ممکن است پس از گذشت یک سال، این موضوع برایشان اهمیت چندانی نداشته باشد. با این حال، با دید خوشبینانه می توان تشابه حاضر را نوعی وفاق و همسویی بر سر مسائل زندگی زناشویی بین زوجین توصیف نمود.

معمولاً افراد در جستجوی شریکی هستند که از لحاظ نژادی، اجتماعی و مذهبی با آنها شباهت داشته باشد. این که در این مطالعه مردان روی پارامترهای زیست شناختی بیش از زنان تأکید ورزیده اند تا حدودی طبیعی است، زیرا به اعتقاد همین نویسنده مردان زودتر از زنان عاشق می شوند و تحت تأثیر خصلت های ظاهری قرار می گیرند. زنان از سوی دیگر در این که با چه کسی ازدواج کنند کار اندیش تر و محتاط ترند و اصولاً معیارهای اجتماعی اهمیت زیادی دارد (۲۸).

پژوهشگران به این نتیجه رسیده اند که فرهنگ و ارزشهای اجتماعی مشترک به ویژه زبان مشترک در تعامل بین افراد از جمله روابط صمیمی زن و شوهر سهم بسزایی دارد. تشابه و تضاد در شیوه های تربیتی خانواده دختر و پسر ناشی از تشابهات فرهنگی آنهاست و هر چه این تشابهات کم تر باشد احتمال اوج گیری اختلافات و درگیری های زن و مرد در زندگی زناشویی افزایش خواهد یافت. اختلافات فرهنگی زوجین یکی از فاکتورهای طلاق نیز بشمار می رود (۱۱).

یکی از پارامترهای اجتماعی که در سازگاری زناشویی مورد توجه بوده است، تشابهات عقیدتی دینی است. در متون اسلامی به همه جوانان توصیه شده است تا تقوا، نجابت و اصالت دینداری را به جای مال و ظاهر فیزیکی در انتخاب همسر مد نظر قرار دهند. مفسران دینی بر این عقیده اند که داشتن وجه مشترک دینی، افراد را از انجام بسیاری از اعمال خلاف باز می دارد. زیرا مذهب یکی از مهمترین جلوه های لطیف ذهن انسان است که از سرچشمه های معنوی و الهی تغذیه می کند (۱۲). برخی از محققین معتقدند که باورهای دینی سرچشمه تلقینات جمعی بوده و اختلاف در باورهای دینی زوجین به اختلافات شدید زناشویی

مالی به ارزش های معنوی و انسانی تعبیر نمود و با یک دید جمعی آن را می توان به ارزشهای حاکم و جاری در سطح جامعه ربط داد. امروزه به دلیل مشکلات اشتغال و رو آوردن پسران به مشاغل آزاد، نگرش و ارزشهای آنان نیز تغییر یافته و اصرار پسران در این زمینه می تواند حاکی از جهان بینی شغلی آنان باشد. در هر حال اصرار دختران روی استقلال مالی پسر نشانگر نگرانی زندگی آنان در یک نظام مشترکی است که از آن آگاهی کمتری داشته و هنوز به آن اصرار کافی ندارند.

یافته های مطالعه حاضر می تواند در بعد پیشگیری اولیه از طلاق و آسیب های اجتماعی کاربرد داشته باشد. در آموزش بهداشت روان ازدواج، لازم است تا شاخص های انتخاب همسر به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گیرد. چه بسا که از طریق اینگونه آموزشها، افراد بتوانند همسر آینده خود را با آگاهی و شناخت بیشتر انتخاب نمایند. وانگهی یافته های مطالعه، حاکی از آن است که این متغیرها در حال تغییر می باشند و به تناسب تعامل آنها، در زوجین رشد فکری، عاطفی و اجتماعی در زوجین ایجاد می شود و ملاکهای انتخاب همسر خود را واقع بینانه تر بکار خواهند بست؛ لذا توصیه می شود تا جهت جلوگیری از مشکلات زناشویی و بالاخص طلاق، دختران و پسران در دوره نامزدی نسبت به یکدیگر شناخت دقیق تری پیدا کنند.

در ایران انجام شده است، مشابهت دارد زیرا که در کلیه مطالعات فوق همگی دختران نسبت به شغل و تحصیلات بالای همسر آینده خود حساسیت داشته اند (۲۹، ۲۴). نکته جالبی که در این مطالعه دیده می شود آن است که دختران و پسران بطور یکسان رضایت والدین را لحاظ نموده اند که این امری طبیعی و فرهنگی در جامعه ایرانی بوده و مهریار و تشکری (۱۳۵۴) نیز به نتیجه مشابهی رسیده اند (۲۴).

در جامعه امروز با پیشرفت علم و زندگی ماشینی رقابت ها شدیدتر شده است و انسانها همواره در جستجوی رفاه هستند. وانگهی بالا رفتن سطح تحصیل دختران از یک طرف و ناکار آمد بودن در آمد پسران از طرف دیگر، ضرورت همکاری زن را در اداره امور زندگی با داشتن شغل و درآمد ثابت، بیش از پیش محسوس می سازد هر چند از پی آمدهای نقش دو گانه زن در این گرو دار کمتر سخن به میان می آید، اما چنین به نظر می رسد که مردان به طور مستقیم و غیر مستقیم از اشتغال زنان ناراضی نیستند. در هر حال برای حفظ حقوق زن و حمایت اجتماعی از او، در اسلام مهر و صداق مشخص شده است تا در شرایط بحران و نابهنجاری که مردی در کنار او نباشد و یا از حمایت اجتماعی او دست بردارد، زن بتواند از آن بهره جویند. در مطالعه حاضر، پسران نسبت به وضعیت مالی دختر و مهریه متعادل حساسیت نشان داده اند. با یک دید مثبت، می توان این نگرش را مرتبط با تغییر ارزش های

## منابع

۱. امینی انتخاب همسر، مرکز نشر چاپ سازمان تبلیغات اسلامی: ۱۴-۱۵، ۱۳۷۲.
۲. فرجاد م ح. آسیب شناسی اجتماعی و ستیزه های خانواده و طلاق، انتشارات منصوری: ۱۳۷۲، ۹۸.
۳. مظاهری ع ا. جوانان و انتخاب همسر، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی: ۱۳۷۲، ۲۶-۷.
۴. حسینی ع ا. اخلاق در خانواده، انتشارات اسلامی: چاپ اول، مرداد ۱۳۶۹، ۴۰.
۵. فرهنگی ع ا. ارتباطات انسانی، تهران، نشر تهران تابمن: جلد اول، چاپ اول، ۱۳۷۲، ۳۲.
۶. برهانی م و دیگران. زمینه روانشناسی، تهران: انتشارات رشد، چاپ ششم، ۱۳۷۲، ۸۰.
۷. شورای طرح جامع آموزش و مشاوره خانواده، آموزش جوانان در آستانه ازدواج، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، چاپ اول، ۱۳۷۲، ۱۴.
۸. قائمی ع. نظام حیات خانواده در اسلام، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان: چاپ دوم، بهار، ۱۳۶۷، ۲۸-۲۷.
۹. مصلحی ز. توصیه هایی چند به والدین در زمینه همسرگزینی و ازدواج فرزندان، ماهنامه پیوند انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ش ۱۷۱، دی ۱۳۷۲، ۱۴.
۱۰. ساروخانی به مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۰، ۷۸.

۱۱. طباطبایی اردکانی آ. روشهای حل مشکلات زناشویی، تهران: نشر شریف، چاپ اول، ۱۳۷۳، ۳۲.
۱۲. مشکینی ع. ازدواج در اسلام، نشر الهادی، چاپ بیست و دوم، ۳۵.
۱۳. رشیدپور م. روانشناسی ازدواج در اسلام، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، فروردین ۱۳۶۵، ۱۲.
۱۴. حجتی م. ب. اسلام و تعلیم و تربیت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۲۲.
۱۵. فرجاد م. ح. آسیب شناسی اجتماعی و ستیزه های خانواده و طلاق، انتشارات منصوری: چاپ اول، مهر ماه، ۱۳۷۲، ۱۴.
۱۶. شریعتمداری ع. تأثیر خانواده در رفتار کودک، ماهنامه پیوند، انتشارات انجمن و اولیاء مربیان: ش ۱۵۱-۱۵۰ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱، ۲۲.
۱۷. مساواتی م. جامعه شناسی انحرافات، تبریز: نشر نوبل، چاپ اول ۱۳۷۴، ۸۲-۸۱.
۱۸. بیابانگره ا. تأثیرات اشتغال مادران بر کودکان و نوجوانان، ماهنامه پیوند، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان: ش ۱۷۱، دیماه ۱۳۷۲، ۱۴-۱۲.
۱۹. رشید پور م. خانواده خوشبخت، ماهنامه پیوند، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان: ش ۱۸۲، دی ۱۳۷۲، ۱۱-۱۲.
۲۰. کاظمی خلخالی ز. زناشویی راز خوشبختی، نشر محمد: چاپ دهم، ۱۳۷۳، ۳۵-۳۴.
۲۱. ساروخانی ب. مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، انتشارات سروش: ۱۳۷۰، ۱۰.
22. Fingold A, Gender differences in effects of physical attractiveness on Romantic attraction, Journal of personality and social psychology, 1990: vol. 59, No. 5, 93-94.
۲۳. سیف س و دیگران. روانشناسی رشد، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها چاپ پنجم، تابستان ۱۳۷۴، ۸۰.
۲۴. مهربار و تشکری. عقاید و تمایلات گروهی از دختران و پسران ایرانی درباره ازدواج و رابطه این گرایشها باسواد و طبقه اجتماعی پدر، مرکز جمعیت شناسی دانشگاه شیراز: اسفند ۱۳۵۳، ۳۴.
۲۵. یزدانی م. بررسی مقایسه ای ازدواج از دیدگاه دانشجویان پسر و دختر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان: سال ۱۳۷۴.
۲۶. مطهری م. اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، انتشارات صدرا: بهمن، ۱۳۷۳، ۴۹-۴۸.
۲۷. اردلان و محسنی. طرز تفکر دانشجویان در مورد معیارهای خانواده و ازدواج، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی تهران: اردیبهشت ۱۳۵۴.
28. Matching by weight in married couples. The Journal of social psychology 1990: vol 130(5), 657-69, 70.
۲۹. آزاد حرف. تصور دختران دانشجو در مورد ازدواج، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم تربیتی دانشگاه تهران: مهر ماه ۱۳۵۵.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی